

مسافرت به ایران

○ مجتبی آذر تبریزی



○ مسافرت به ایران

○ تألیف: آلکسی دمیتروی یویچ سالتیکوف

○ ترجمه: محسن صبا

○ ناشر: علمی و فرهنگی، چاپ سوم، شهریور ۱۳۸۱، ۱۲۶ ص، ۶۰۰۰ ریال

می‌سازد.

سالتیکوف برخلاف مسافرانی چون تاورنیه و شاردن، موفق به دیدار شهرهای اصفهان، شیراز و مشهد و آثار معماری، کاشی کاری، نقاشی و مقرنس کاری‌های موجود در این شهرها نشده است.

عماراتی که حتی امروز، موجب تعجب کسانی است که سراسر جهان مترقی را دیده‌اند، قطعاً در آن روزها، جلوه حقیقی خود را در نظر سالتیکوف می‌نمایانده است. کسی که متوجه تمام دقایق و ظرایف آینه‌کاری یک اتاق می‌شده، و از انعکاس پرتو یک شمع ضعیف در آینه‌ای کوچک محظوظ می‌گشته، نمی‌توانسته در مقابل کاشی کاری‌های اصفهان و عمارات زیبای آن شهر، که هنوز در آن زمان دست تخریب بر آنها دراز نشده بود، بی‌تفاوت باشد.

سالتیکوف از طریق قفقاز و از راه تفلیس و ارس به تبریز و از آنجا به میانه و زنجان و قزوین و سرانجام به تهران آمده است.

تهرانی را که سالتیکوف دیدار کرده و وصف می‌کند، شهری بوده که تازه به عنوان پایتخت تعیین شده، و حتی ابنیه دوره ناصرالدین شاه را نداشته است. پیداست چنین شهری نمی‌توانسته نظر نقاشی را که سال‌ها در انتظار دیدار مشرق بوده، جلب نماید.

علاوه بر این، سالتیکوف، به نقایس موجود در ایران راه نیافته و نسخه‌های خطی که در کتابخانه‌های مختلف خصوصی بوده است و نیز مرقعات زیبا و نقاشی‌های بهزاد و رضای عباسی و آقا رضای کاشانی را که به صورت پراکنده بوده، ندیده است.

مسافرت به ایران، نوشته آلکسی دمیتروی یویچ سالتیکوف، نقاش روسی که به آثار هنرمندان شرق دلبستگی داشته، گزارش مسافرت نویسنده در سال ۱۸۳۸ میلادی است. ترجمه فارسی کتاب به قلم محسن صبا نخستین بار در سال ۱۳۳۶ در ایران منتشر شد و چاپ دوم آن از سوی انتشارات علمی و فرهنگی در سال ۱۳۶۵ صورت گرفت. چاپ حاضر، در واقع سومین چاپ کتاب است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب سالتیکوف، هنر نقاشی نویسنده است. علاقه‌ای که حتی انگیزه سفر به شرق را در او برانگیخت. از آنجا که در زمان مسافرت سالتیکوف به ایران، هنوز صنعت عکاسی در این کشور رواج نداشته، پرده‌های نقاشی این سفرنامه که تصاویری جاندار از ایران آن عصر ارائه می‌دهد، حائز اهمیت است. این کتاب شامل هجده پرده از آثار نقاشی نویسنده درباره برخی از جنبه‌های زندگی مردم ایران است. سالتیکوف در سال ۱۸۲۸ میلادی، مطابق با سال‌های ۱۲۵۳ - ۱۲۵۵ قمری و ۱۲۱۶-۱۲۱۷ شمسی به ایران سفر کرده است. در این زمان محمدشاه قاجار بر اریکه سلطنت تکیه زده و حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم ایران بوده، ناصرالدین میرزا ولیعهد در تبریز اقامت داشته و میرزا ابوالحسن خان معروف به ایلچی، از درباریان نزدیک شاه، و میرزا مسعود، وزیر امور خارجه ایران بوده است.

سالتیکوف به حضور تمام اشخاص فوق بار یافته و تصاویری به یادگار گذاشته است که علاوه بر ثبت قیافه واقعی آنها، طرز لباس پوشیدن و مخصوصاً ابنیه‌ای که در آن زندگی می‌کرده‌اند، را روشن



منظره‌ای از حضرت عبدالعظیم و زواری که برای زیارت آمده‌اند، دوره قاجار

در آن زمان مردم، آثار ذوقی و هنری خود را بیشتر وقف مشاهد متبرکه و قبور اعظم دین و طریقت و ارشاد می‌نمودند و چون رسوم و سنن موجود اجازه نمی‌داده است، غیر مسلمانان به این امکان قدم بگذارند، بالطبع ساخته‌ها و پرداخته‌های دست صنعتگران ماهر، که علائق مذهبی، تأثیر و قدرت هنر آنان را افزایش می‌داده، از دیده سالتیکوف مستور مانده است. از آنجا که ایرانیان بعد از صفویه به علت وقایع ناگوار پی‌درپی، به ظواهر زندگی اندکی بی‌علاقه شده بودند، در نتیجه ساختمان‌های مجلل در شهرها دیده نمی‌شده است و همین مسأله نیز سبب شده، سالتیکوف که در راه‌ها بیشتر با مردم عادی ملاقات کرده، در این دیدار کوتاه خود از ایران بیش از آنچه نوشته، ندیده است.

همانطور که گذشت اهمیت سفرنامه او در تصاویری است که در بردارد و ما به واسطه آنها توانسته‌ایم تصاویری جاندار و زنده از زمانی که هنوز صنعت عکاسی در ایران رواج نداشته، در دست داشته باشیم. اما مخصوصاً از نظر اینکه در زمان محمدشاه، مسافران بسیاری به ایران نیامده‌اند، سفرنامه او برای آگاهی از وضع راه‌ها و شهرهای ایران دوره سلطنت قاجار و تا حدی وضع دربار ایران، حائز اهمیت است.

در پایان کتاب درباره اسامی اشخاص، مکان‌ها و اعلام خاص توضیح داده شده است. عناوین و موضوع نقاشی‌های کتاب که در لابلای متن چاپ شده به ترتیب عبارت‌اند از:

- ۱- ورود هیأت سفارت ایران به سن پترزبورگ
- ۲- شاهزاده چرکسی، سوار بر اسب و در حال تیراندازی با کمان
- ۳- دو مرد قفقازی سوار بر اسب با لباس‌های بومی
- ۴- نمایی از شهر تفلیس
- ۵- تعدادی از کشیشان و همراهان آنها در صومعه اوچ میادیزین
- ۶- گروهی از مردم عادی و سواران دولتی در نزدیکی نخجوان

۷- مجلس رقص شب در شهر میانه

۸- چند مرد و یک زن سوار بر اسب در نزدیکی اراک

۹- بازار زنجان

۱۰- بازار قزوین

۱۱- ورود به تهران و استقبال رسمی

۱۲- نمایی از شهر تهران

۱۳- ناصرالدین میرزا، وارث تخت سلطنت قاجار با گروهی از

همراهان و درباریان

۱۴- صدراعظم و گروهی از همراهان. در این تصویر، به دنبال

صدراعظم، شاهزاده صدرالدوله و خسرو خان خواجه و در جلو، پسر دوم

پادشاه و مباشرش او را همراهی می‌کنند. رئیس تشریفات وقت، میرزا

ابوالحسن خان که سابقاً مقیم سن پترزبورگ و لندن بوده و پهلوی او

شاهزاده کیقباد میرزا ایستاده است.

۱۵- عباس میرزا، نایب السلطنه

۱۶- گردش شاه و همراهان

۱۷- تصویر محمدشاه

۱۸- بازگشت گروه روسی سوار بر اسب، با بار و بنه به سن پترزبورگ.

سفرنامه سالتیکوف، گوشه‌ای از دورنمای گذشته ما و به ویژه

تصاویر آن، یادگار گران‌بهایی از روزگاران پیشین ایران است.

هرچند نقاشی‌های نویسنده کتاب در ترجمه فارسی هم به چاپ

رسیده اما اهمیت و زیبایی نقاشی‌ها به اندازه‌ای است که ایجاب می‌کند

به صورت رنگی و با چاپی نفیس ارائه می‌شد یا حداقل شایسته‌تر بود

چاپ سیاه و سفید آنها از کیفیت مطلوب‌تری برخوردار می‌شد چرا که

بیشترین ارزش و اهمیت کتاب به تصاویر آن است.